عنوان:

نسبت عالم رؤیا با عالم برزخ و عالم ماده

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-151 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش |
| برچسب | اصلاح اندیشه،عوالم،خواب،رؤیا،برزخ،عالم مثال |
| توضیحات |  |

 عالم رؤیا عالم بسیار پایینی نسبت به عالم برزخ است و لذا نمودی هم كه ظهور می‌كند (باطن اعمال) بسیار ضعیف است. نه این که كل حقیقت ماست كه آن جا ظهور می‌كند. حال آن بدنی كه در برزخ است چه اوضاعی دارد؟!

یك پرده كنار رفته این احساس را لمس می‌كنم. استدلال و برهان فلسفی نمی‌خواهد بلكه با همه وجودم، الآن هم كه به این عالم آمدم همه‌اش در یادم است. این روشن می‌كند كه منهای این بدن مادی، بازهم زندگی هست. چه كسی می‌تواند بگوید به من ثابت كنید كه عالم برزخ وجود دارد؟

آزمایش آن دانشمندانی كه در قبر فرد پس از مرگش دستگاه ضبط صوت و ... كار می‌گذارند وبعد می‌گویند ما بررسی كردیم، فشار قبر و نكیر و منكر و ... اصلاً اتفاق نمی‌افتد، این آزمایشات، چقدر بچه‌گانه است. اگر این گونه است خوب برای خواب هم دستگاه بگذارید و آن چه را كه فرد در عالم رؤیا می‌بیند ثبت كنید و نشان بدهید. فشار قبر و باز شدن دری از جهنم و دری از بهشت كه در این قبر خاكی نیست؛ این كه می‌ماند و می‌پوسد.

این كارها و آزمایشات بچه‌گانه برای این است كه از منبع وحی اطلاعی ندارند و خیال می‌كنند كه مركز شناخت، فقط مغز است. خود وحی، مركز شناخت قوی و معجزه است. وحی، با اطمینان، واقعیتی را می‌فرماید، كوتاه، اما مطمئن و قطعی.

پس از این آیه فهمیدیم كه در عالم دیگر (رؤیا) صورت بسیار ضعیفی از باطن اعمال را نشان می‌دهند و این مطالب نشان می‌دهد كه روح منهای بدن می‌تواند زندگی كند.

در سوره یوسفبه یك صورت دیگر از رؤیا اشاره دارد: «إِذْ قالَ يوسُفُ لِأَبِيهِ يا أَبَتِ إِنِّي رَأَيتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيتُهُمْ لِي ساجِدِينَ»

«البته من دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه، دیدم كه آنها به من سجده می‌كنند.» آیا در این عالم ممكن است چنین چیزی اتفاق بیفتد؟ اما این در عالم رؤیا تحقق پیدا كرده است. نظام آن جا طوری لطیف است كه خورشید و ماه و ستاره سجده كردند.

مطلب دوم كه دقیق‌تر هم هست، این هست كه حضرت یعقوبوقتی خواب را تعبیر می‌كند، می‌فرماید:

«ماه پدرت است، خورشید مادرت است و ستارگان، برادرانت.» یعنی یك رابطه بسیار دقیق و پیچیده‌ای است بین این رؤیا و عالم ماده.

در این عالم هم، اگر انسان، آب را جز در دمای زیر صفر نمی‌دید كه به صورت یخ است و مانند سنگ، اگر برای اولین بار به او می‌گفتی كه این ماده خود به خود می‌تواند از یك شیشه بسیار باریك بالا رود و حتی دست را هم بسوزاند، به هیچ وجه نمی‌توانست بفهمد و می‌گفت این ماده را كه اگر رها كنیم می‌افتد. پس چگونه ممكن است خود به خود بالا رود، آن هم از شیشه­ی بسیار باریك، یا چگونه ممكن است بسوزاند. یعنی در هر نظامی وارد شود، تحت فرمان آن نظام است. اما در غیر این نظام اگر غیر آن شكل باشد، غیر طبیعی است.

ما در فهم این گونه مسائل در نظامِ زیر صفر درجه گیر كرده‏ایم و می‏خواهیم نظام بالای 100 درجه را با این نظام تحلیل كنیم! و حتی بعضی روشنفكرانه می‏نشینند و حقایق آن عالم و قیامت و... را مسخره می‏كنند!! كسی كه با فطرت به حقیقت عالم و وحی نرسیده، فهم این مطالب برایش ممكن نیست.

پس تا این جا نتیجه گرفتیم كه:

نظام‌ها باهم ارتباط مستقیمی دارند. ارتباط، طوری است كه هر كدام وارد هر نظامی شد، صورت آن نظام را به خود می‌گیرد، یعنی صورت، تحت قوانین نظام آن عالم ظهور می‌كند.

مثلاً فردی در این عالم برای امتیازات خیالی خود تكبر می‌ورزد و عالم رؤیا مورچه‌ای است كه زیر دست و پا لِه می‌شود. بطوریکه مشخص است كه آن مورچه چه كسی است و له شدن هم طوری نیست كه له شود و از بین برود، بلكه ده بار له می‌شود و باز هم بدن وجود دارد.

آیات در این مورد زیاد است:

خواب هم‌زندانی‌های حضرت یوسف خواب پادشاه مصر زمانیكه حضرت یوسفدر زندان است و... ؛

وقتی حضرت یوسفدر زندان است، دو نفر از هم‌زندانی‌های حضرت یوسف به او می‌گویند كه خوابی دیده‌ایم؛ این خواب را برای ما تعبیر كن. حضرت یوسفبه یكی از آنها می‌گوید كه تو از زندان آزاد خواهی شد و خمر سلطان را خواهی فشرد و به دیگری می‌گوید كه تو را به دار خواهند آویخت و پرندگان از سر تو خواهند خورد. [سوره­ی یوسف، آیات36 الی 41]. شخصی كه حضرت یوسفبه او گفته بود تو را به دار خواهند آویخت، می‌گوید كه من دروغ گفتم و چنین خوابی ندیده‌ام. اما حضرت یوسفمی‌فرماید: آن چه كه تعبیر كردم، خواهد شد.

چه نكته‌های دقیقی در این عالم هست؟! خواب منبع شناخت بسیار مهم است. البته خواب، حجت شرعی نیست. اگر پیامبر هم در خواب بیاید و بگوید كه فلان كار را بكن، حجت شرعی نیست. اما در كشف حقایق و معارف، یك منبع بسیار مهم است؛ آن هم مستقیماً از طرف فطرت.

کتاب فطرت- پایگاه ندای پاک فطرت